

اسناد تاریخی خاندان غفاری

دوره احمدشاه و دوره پهلوی



به کوشش

ترکس بدرام

www.ketab.ir

[جلد هشتم]



اسناد تاریخی خاندان غفاری دوره احمدشاه و دوره پهلوی

[جلد هشتم]



www.ketab.ir

به کوشش نرگس پدram

گرافیسست، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

حروفچین و صفحه‌آرا بیوک رضایی

لبنوگرافی صدف

چاپ متن آزاده

صحافی فرد

تیراژ ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول ۱۴۰۲

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتراز پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیرسیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی
دکتر زاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - حمیدرضا رضاییزادی (خرانه دار) - یوسف یعقوبی (دبیر)

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف)، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹ - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - الهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت‌نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

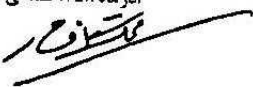
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاری‌زهی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتابی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزّه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید مطابق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زبان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زبان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوجبی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
دوره احمدشاه و دوره پهلوی	
بخش یکم: عرایض به احمدشاه و دستخط‌های او	۱۷
بخش دوم: نامه‌های ولیعهد محمدحسن میرزا	۴۷
بخش سوم: نامه‌های ادارات و وزارتخانه‌ها	۵۷
- وزارت پست و تلگراف	۵۹
- وزارت جنگ	۶۲
- وزارت امور خارجه	۱۲۴
- وزارت داخله	۲۳۳
- وزارت عدلیه	۲۳۸
- وزارت مالیه	۲۴۳
- وزارت معارف	۲۶۴
- ریاست وزرا	۲۶۶
- انجمن‌ها و کمیته‌ها	۳۳۰
بخش چهارم: نامه‌های اشخاص به صاحب‌اختیار در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۴ ق	۳۳۵
بخش پنجم: نامه‌های مستوفی‌الممالک	۴۳۷
بخش ششم: نامه‌های حسین معتمد دیوان و عبدالحسین لاری	۴۴۳
بخش هفتم: نامه‌های وثوق‌الدوله، رئیس‌الوزرا	۴۵۹
بخش هشتم: نامه‌های دوره پهلوی	۴۷۱

بخش نهم: کارت‌های دعوت.....	۴۸۵
بخش دهم: صورت حساب‌ها و شرح حال.....	۵۱۷
- صورت حساب‌های مقبره امین الدوله [فرخ‌خان].....	۵۱۹
- صورت حساب‌های مرحومین صاحب اختیار و خانم؛	
و صورت متروکات مرحومه خانم.....	۵۲۸
- شرح حال جناب غلامحسین خان غفاری که به درخواست دکتر قاسم غنی	
در سال ۱۳۲۱ش نگاشته شده است.....	۵۴۲
تصاویر.....	۵۵۳
فهرست اعلام.....	۵۸۵
- فهرست نام اشخاص.....	۵۸۷
- فهرست نام جای‌ها.....	۶۰۹
- فهرست اصطلاحات.....	۶۱۵
- فهرست روزنامه‌ها و کتاب‌ها.....	۶۱۹

مقدمه

جلد هشتم اسناد تاریخی خاندان غفاری به باقی مانده اسناد غلامحسین خان غفاری اختصاص داده شده که مربوط به دوره احمدشاه و دوره پهلوی است. غلامحسین خان غفاری در دوره محمدعلی شاه ملقب به صاحب اختیار شده، در دوره احمدشاه و در کابینه حسن مستوفی (۱۳۳۳ ق) وزیر جنگ و پس از آن به مدت ده سال رئیس دفتر احمدشاه بوده است.

در این جلد نامه های زیادی از ادارات و وزارتخانه هایی مثل وزارت جنگ، وزارت خارجه، وزارت داخله، وزارت دربار است که به دوره ریاست دفتری صاحب اختیار مربوط می شوند، و بخش قابل توجهی از اسناد این کتاب را تشکیل می دهند و خوشبختانه غالباً تاریخ دارند. همچنین نامه هایی از اشخاصی چون محمدعلی علاء السلطنه، عبدالمجید عین الدوله، حسن مستوفی الممالک، حسن وثوق الدوله، فتح الله اکبر، محمدولی خان تنکابنی که هریک دوره ای نخست وزیر ایران بوده اند نیز در میان این اسناد دیده می شود.

تعداد زیادی کارت دعوت به مجالس رسمی و عروسی در این اسناد وجود دارد که همگی در یک بخش جداگانه و بر اساس تاریخ تنظیم شده اند. این کارت ها علاوه بر آنکه حاوی مطالب و اخبار جالبی هستند، برخی از آنها به لحاظ بصری نیز بسیار چشم نوازند و اینکه کدام یک برای اسکن پایان کتاب انتخاب شوند کار دشواری بوده است. سندی مربوط به آیین گشایش مجلس شورای ملی در پانزدهم شوال ۱۳۳۹ ق مطابق سرطان ۱۳۰۰ شمسی که در واقع به نوعی دعوت نامه است نیز در همین بخش آورده شده، نقشه پارلمان هم همراه این سند بوده که در بخش تصاویر، در پایان کتاب آمده است.

در بخش آخر این جلد شرح حالی از غلامحسین خان غفاری است که به درخواست دکتر قاسم غنی نگاشته شده است.

در این کتاب نیز به روال کتب قبلی اسناد برحسب تاریخ تنظیم شده‌اند و اگر سندی بدون تاریخ بوده سعی شده با توجه به شواهد و قرائن موجود در متن در جای مناسبی گذاشته شود. همچنین مطالبی که بعدها توسط بزرگانی چون آقای حسنعلی خان غفاری (معاون الدوله دوم)، دکتر حسین محبوبی اردکانی و استاد ایرج افشار به نامه‌ها افزوده شده‌اند نیز تحت عنوان یادداشت آورده شده است.

از استادان گرانقدر آقای نادر مطلبی کاشانی و آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی که همیشه راهنمایم بودند بسیار سپاسگزارم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر محمد افشین‌وفایی و سایر همکارانشان در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و جناب آقای بیوک رضایی که در به‌ثمر رساندن کتاب‌های اسناد خاندان غفاری یاریم دادند بسیار سپاسگزاری کنم.

نرگس پدرام

تابستان ۱۴۰۰

www.ketab.ir